

جستاری در ریشه‌ها و ابعاد فرهنگی مفهوم باکرگی

مرضیه زادشم^۱، مرضیه برزوئیان^{۲*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی؛ دانشگاه آزاد اسلامی شیراز. شیراز. ایران.

marziye.zadsham@gmail.com

۲. دکترای پژوهش هنر؛ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی شیراز؛ گروه ادبیات نمایشی. (نویسنده مسئول).

marziyeborzoeyan@yahoo.com

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۰/۱۰/۱۸]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۰/۶/۲۶]

چکیده

دوشیزگی و بکارت را از جنبه‌های گوناگون می‌توان مطالعه کرد؛ اگرچه این موضوع، برخاسته از خصوصیتی بیولوژیک است اما با نگاهی به تاریخ، آن را در صورت و تجلیات مختلف بازمی‌یابیم. بکارت یا دوشیزگی، جزئی از اندام جنسی زنان است؛ اما دلالت مفهومی بکارت به فیزیولوژی زنانه محدود نمانده و به مناسبات فرهنگی و جنسیتی جوامع نفوذ کرده و در بسیاری موارد، تعیین‌کننده ملاک‌ها و معیارهای عرفی، اخلاقی و قانونی بوده‌است. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که: بکارت و معنابخشی به آن در جوامع بشری، از چه منابع و ریشه‌هایی، تغذیه و مایه‌ور شده‌است؟ در این راستا، بکارت در نمونه‌هایی از اسطوره، ادیان و مثال‌هایی از جوامع بدوی و کنونی، استخراج و بررسی شده‌است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و نتیجه به دست آمده بیانگر این است که مفاهیم بکارت در جوامع مختلف، تابعی از زمینه‌ها و ویژگی‌های اسطوره‌ای، تاریخی، اقتصادی و فرهنگی است و این مؤلفه‌ها عموماً در طول تاریخ اکثر جوامع، در تأیید «باکرگی به مثابه فضیلت» عمل کرده‌اند.

واژگان کلیدی: بکارت، دوشیزگی، باکرگی، زنان در جامعه

۱- مقدمه

بشر از جوامع ابتدایی، تمایز میان زنانگی و دوشیزگی را تشخیص داده و از آنجا که هر مفهوم مرتبط با امور جنسی و جنسیتی، رابطه مستقیمی با تولید نسل، بقا و چرخه هستی داشت، بکارت را نیز کانون مفهوم‌پردازی، نمادسازی و اسطوره‌پروری قرار داد. آنچه در این میان، شایسته تأمل است، امتداد مناقشات و مفهوم‌سازی‌ها از بکارت، در گذر تاریخ تا به امروز است؛ علی‌رغم گسترش مرزهای دانش پزشکی و گاه، رنگ باختن معنای قطعی و محرز برای عضوی به نام «پرده بکارت» در ارگانیک‌شناسی زنان، هنوز در جهان، موضوعیت این معنا به قوت خویش باقی است. علاوه بر حضور فرهنگی این موضوع در جوامع و نفوذ اصول عرفی آن در قوانین بسیاری از کشورها، تأملات شاخه‌های مختلف علوم در این باره نیز ادامه داشته است. از سویی، نظریه‌های فمینیستی، ریشه‌های تاریخی اهمیت بکارت در فرهنگ‌ها را پیامد مردسالاری، انحصارطلبی مردانه در حفظ نسب خونی و سرمایه‌داری مردسالار و تفکر زن به مثابه دارایی، قلمداد کرده‌اند. روان‌شناسان ژرفانگر و تاریخ‌گرا ماهیت جنسی بکارت را در ارتباط با طرح‌واره‌های کهن و ناخودآگاه تبیین می‌کنند. از سوی دیگر، مطالعات مردم‌شناسی، به آداب و رسوم دست یافته که لزوماً بکارت را در ارتباط با ازدواج، و اخلاقیات مرتبط با ساختار خانواده نشان نمی‌دهد؛ آیین‌هایی همچون روسپی‌گری مقدس، نذر و قربانی شدن دختران باکره و فراتر از این‌ها طرح موضوع باکرگی برای مردان. به هر روی، جاذبه و ضرورت پژوهشی حول موضوع دوشیزگی از منظرهای مختلفی وجود دارد. اما از آنجا که بازشناسی پدیده‌ها و واقعیت‌های معاصر، بدون واکاوی زیرساخت‌های آنها میسر نیست، پژوهش حاضر در پی قدیمی‌ترین ریشه‌ها و مفاهیم تاریخی دوشیزگی و بکارت صورت گرفته است. حوزه‌های مورد مطالعه این مقاله، اسطوره، کهن-الگو، ادیان و برخی جنبه‌های واقعی و زیست‌شده موضوع بکارت است؛ از جمله برخی رسوم متداول در نقاط مختلف جهان با مضامین مرتبط با دوشیزگی و بکارت و همچنین نظری به جایگاه و معنای بکارت در جهان امروز. به دلیل پراکندگی و غیرمدون بودن اطلاعات این زمینه، دامنه جغرافیایی این پژوهش، محدود نشده و بنا به ضرورت، به مصداق‌هایی در سرتاسر جهان اعتنا شده است. از سوی دیگر، تقریباً در همه منابع و پژوهش‌ها، موضوع بکارت، در ارتباط مستقیم با مسائل زنان طرح شده و مرزبندی دقیق و روشنی از جامعه‌شناسی جنسیت و کارکردهای جنسیتی ندارد. با وجود این امر، در مقاله حاضر - برای پیشگیری از تکرار مطالبی که در خصوص جایگاه اجتماعی و تاریخی زنان، بسیار به آن پرداخته شده - سعی بر آن بوده که مطالب خاص موضوع بکارت و دوشیزگی، جمع‌آوری و هم‌سنجی شوند و به سایر حوزه‌های مرتبط، صرفاً به قدر لزوم، ورود شود. با در نظر داشتن جوانب گوناگون و مداخلات موضوعی با سایر حوزه‌ها، تمرکز اصلی این تحقیق، بر جستجوی ریشه‌های معنایی و ارزش‌گذارانه این موضوع است. موضوع پاکدامنی در نظام‌های فکری و در سطح نظری، خاص جنسیت زن نیست، اما باکرگی در عمل، در محدوده مسایل زنان، معنا می‌شود و در ناخودآگاه فرهنگی اکثر جوامع، باکرگی زنان، ملاکی برای نجابت و پاکدامنی آنان به حساب می‌آید.

۱-۱- باکرگی از دیدگاه بیولوژیک

در کتب و منابع پزشکی، با تعریف مشابهی از پرده بکارت روبرو می‌شویم:

پرده بکارت غشایی است که تمام یا قسمتی از دهانه واژن را می‌پوشاند. هایمن^۱ لغتی یونانی است به معنای پوست یا پرده که از نام الهه ازدواج و عروسی یونانیان^۲ وام گرفته شده. «هایمن یا پرده بکارت، غشاء نازک مخاطی است که در قسمت دیستال مدخل واژن قرار دارد و در محیط خود به جدار واژن می‌چسبد. این غشاء معمولاً با ورود آلت تناسلی یا جسم خارجی آسیب می‌بیند.» (رباط جزئی، سیمبر، ناهیدی، قره داغی، ودادهیر، امام هادی و همکاران، ۱۳۹۶)

1 Hymen

2 God Hymen

بکارت در اصطلاح پزشکی به انواع پرده‌ها گفته می‌شود؛ مانند پرده یا غشایی که قلب را احاطه می‌کند. علم پزشکی موفق شد ثابت کند که اندام جنسی جنین در مراحل اولیه رشد کاملاً بسته است و به مرور لایه‌های پوستی به صورت ناقص از هم جدا می‌شوند و پرده بکارت را تشکیل می‌دهند. بکارت شکل ثابتی ندارد و در بسیاری از زنان نیز از ابتدا وجود ندارد و به مرور تشکیل می‌شود. در کنار تعریف بکارت، باکرگی در وجه کلی، دلیل بر عدم رابطه جنسی است. از طرف دیگر علم پزشکی ثابت کرد که پرده بکارت مختص انسان نیست. بسیاری از پستانداران مانند اسب، وال و ... نیز از وجود چنین پرده‌ای بهره‌مندند، درحالی که در حیوانات مسأله باکرگی مفهومی ندارد.

۱-۲- باکرگی در اسطوره و کهن‌الگو

باکرگی با اسطوره ملازمت بسیار کهن دارد؛ چرا که یکی از ارکان اصلی اسطوره‌های خلقت، بکرزایی است. در اکثر نظام‌های اسطوره-ای، خلقت، به شیوه‌های کم و بیش مشابهی رخ می‌دهد؛ از جمله پدید آمدن هستی از زمین، زایش توسط خدایی دوجنسی یا فاقد جنسیت، شهادت یا پاره پاره شدن خودخواسته یک ایزد و یا بکرزایی. وجه اشتراک این اسطوره‌ها اشاره به نوعی وحدت آغازین و بسندگی و خویشکاری خدایان آفرینشگر است که کیهان‌زایی را بدون نیاز به دیگری انجام می‌دهند.

«زمین از طریق پیوند مقدس با آسمان می‌آفریند، اما این عمل را می‌تواند از طریق بکرزایی یا فدا کردن خویش نیز انجام دهد. اثرات بکرزایی زمین-مادر حتی در اسطوره‌های بسیار تکامل یافته‌ای نظیر اسطوره‌های یونانی نیز یافت می‌شود؛ برای نمونه هرا که توسط خودش باردار می‌شود...» (الیاده، ۱۳۸۲)

اسطوره‌هایی از این دست، تقریباً در بنیادهای اسطوره‌ای سراسر جهان یافت می‌شوند. اما در جهان اسطوره، موضوع باکرگی به آفرینش محدود نمی‌شود و در قالب خدایان و روایات اسطوره‌ای قدرتمند دیگر نیز امتداد می‌یابند. در ادامه به نمونه‌هایی از تجلی موضوع بکارت در اسطوره‌ها اشاره می‌کنیم.

۱-۲-۱- باکرگی در اسطوره‌های یونان

در رأس خدایان قدرتمند یونان، هفت خدا و شش خدایانو قرار دارند. این شش خدایانو به سه گروه تقسیم می‌شوند: خدایانوان کیمیاگر، خدایانوان آسیب‌پذیر و خدایانوان باکره. سه خدایانوی باکره اساطیر یونانی عبارتند از: آرتیمیس، خدایانوی شکار و ماه؛ آتنا خدایانوی عقل و مهارت؛ هستیا، خدایانوی آتشکده و معابد.

آتنا: از مهم‌ترین و محبوب‌ترین خدایان یونان است. آتنا یا آتانه دختر زئوس (نیرومندترین خدای یونانی) است که در لباس جنگ و مسلح، از پیشانی زئوس متولد شد و در بین فرزندان او محبوب‌ترین بود. آتنا در فرهنگ یونانی، الهه جنگ، خرد و صنایع و ایزدبانوی محافظ شهرها شناخته می‌شود. (بکارت آتنا احتمالاً مقارنتی با محافظت شهر از نفوذ دشمنان دارد.) آتنا و پرومتئوس عاشق یکدیگر بودند اما آتنا از سوی پدر از آمیزش منع شده بود. به همین دلیل عشق آتنا نماد والاترین و آرمانی‌ترین نوع عشق (عشق بدون رابطه) قلمداد می‌شد.

آرتیمیس: او نیز همچون آتنا از دختران زئوس است. آرتیمیس در سال‌های اولیه زندگی از پدر درخواست بکارت ابدی کرد و همه ملازمان او نیز باکره بودند. آرتیمیس الهه شکار، حیات وحش، ماه و حاصلخیزی است، حامی زنان و کودکان و دارای قدرت شفابخشی است.

هستیا: هستیا فرزند کروئوس و خواهر بزرگ زئوس است. هستیا به‌عنوان مهربان‌ترین الهه المپ شناخته می‌شود. هستیا از سوی پوزئیدون و اپولون تحت چنان فشاری برای برقراری رابطه قرار گرفت که به سر زئوس قسم خورد که تا ابد باکره بماند. هستیا در مقایسه با آتنا و آرتیمیس از نفوذ و قدرت کمتری در فرهنگ یونان برخوردار بود. او ایزدبانوی خانه و خانواده بود و الهه اجاق و آتش محسوب می‌شد و پخت نان و غذای خانواده، منتسب به هستیا بود.

«جنبه باکره این خدایانوان اشاره به بخشی از روان زن دارد که تحت سلطه و تملک مردان در نمی‌آید، از مردان و تأییدشان بی‌نیاز است و موجودیتی به کمال، جدا از مرد و از آن خود دارد.» (بولن، ۱۳۹۴)

خدایانوان باکره، چندان که در اسطوره‌های یونان متجلی شده‌اند، نماد مصونیت روان زنانه از قضاوت‌های جامعه مردسالارند. «خدایانوان یونان انگاره‌های زنانه‌ای هستند که بیش از سه هزار سال در ذهن بشر زیسته‌اند. آنها با برخورداری از قدرت بیشتر و نیز تنوع رفتاری که در تاریخ کمتر به زنان اجاره تجربه‌اش داده شده است، انگاره‌ها و یا مظاهر چگونگی زنان‌اند.» (همان).

۱-۲-۲- اسطوره باکرگی در ایران

زن در اوستا و همچنین در زبان سانسکریت به لقب «ریته سیه بانو» یا «آشه بانو» خوانده شده که به معنای دارنده فروغ و راستی و پارسایی است. امروزه واژه نخستین در زبان پارسی حذف شده و فقط بانو که به معنای فروغ و روشنایی است برای زنان به کار می‌رود. مهم‌ترین ایزدبانوی ایران، الهه عشق و باروری «آناهیتا» است. دوام و بقای این الهه در نظام اجتماعی طبقاتی هندواروپایی که دوران از رونق افتادن برتری مطلق الهگان است، تأیید قدمت این الهه بازمانده از فرهنگ کشاورزی در ایران است؛ هرچند برخی، آناهیتا را با فرشتگان عیلامی و آریایی نیز قابل انطباق می‌دانند. اما بر خلاف دیگر الهگان و ایزدبانوان ادیان کشاورزی، در کنار آناهیتا، همسر، فرزند و یا معشوقی نمی‌یابیم. آناهیتا اگر چه معرف ایزدبانو یا الهه باکره نیست، اما نماد پاکیزگی و پاکدامنی زنانه در وجه کلی آن است.

مهم‌ترین تجلی باکرگی و بکرزایی در فرهنگ ایرانی را در اسطوره‌شناسی زرتشتی می‌توان دنبال کرد؛ در اساطیر مزدایی، عمر جهان دوازده هزار سال است. در سه هزار سال اول، آفرینش مینوی و تمثیلی رخ می‌دهد، در سه هزاره دوم آفرینش مادی اتفاق می‌افتد و در سه هزاره سوم اهریمن به خلقت اهورامزدا یورش می‌برد و نیروهای خیر و شر درهم می‌آمیزند. سه هزاره پایانی جهان، اوج تجلی اسطوره بکرزایی است که در آن سه منجی از نطفه‌های نگهداری شده زرتشت در دریای کیانسه، به فاصله هزارسال، سه دختر باکره زرتشتی را بارور می‌کنند و نبرد نهایی جهان به رهبری سوشیانت، سومین منجی با پیروزی اهورامزدا پایان می‌پذیرد.

۱-۳-۱- باکرگی در ادیان الهی

۱-۳-۱- یهودیت

«در یهودیت ازدواج امری اجباری بوده است. به زنانی که صاحب فرزند نبودند و از ازدواج خودداری می‌کردند به چشم حقارت و گناهکاری نگریسته می‌شد. کاهنان نیز ملزم به همسرگزینی بودند. به بکارت اهمیت شایانی می‌دادند. دختر لازم بود که در روز ازدواج بکارت خود را ثابت کند، در غیر این صورت هرگاه دوشیزگی‌اش ثابت نمی‌شد، حکم سنگسار کردنش تصویب می‌شد» (رضی، ۱۳۴۲).

در فرهنگ بنی اسرائیل، چند زنی رسم رایج بوده‌است. به ویژه در میان مردانی که تمکن مالی داشتند، تعداد زیادی همسران رسمی و علاوه بر آن کنیزان بسیار و زنان غیررسمی داشتند. در کنار این آزادی جنسی بی‌حد و مرز که برای مردان وجود داشت، زنان در

محدودیت شدید به سر می‌بردند. باکرگی اولین شرط برای ازدواج دختران بود. و اگر زنی در مظان اتهام باکره نبودن قرار می‌گرفت، مرد بلافاصله او را طلاق می‌داد.

«اگر شوهری نابجا زن خود را به باکره نبودن قبل از ازدواج متهم می‌کرد، پدر و مادر دختر می‌توانستند علامت باکرگی دختر خود را روی یک پارچه به ریش سفیدان شهر ارائه دهند و در این صورت ریش سفیدان شوهر را به پرداخت ۱۰۰ نقره به پدر دختر برای جبران لکه‌دار کردن حیثیت یک «باکره اسرائیلی» محکوم می‌کردند؛ دوم اینکه اگر دختر باکره بود و مردی با او قبل از ازدواج رابطه جنسی برقرار می‌کرد، مرد موظف بود با پرداخت ۵۰ نقره به پدر دختر، دخر را به زنی بگیرد و تا آخر عمر او را طلاق ندهد.» (السعداوی، ۱۳۵۹).

۱-۳-۲- مسیحیت

بی‌شک در بین ادیان الهی، مسیحیت مهم‌ترین محل احیا و تجلی مفهوم قدسی بکرزایی بود. مریم عذرا به‌عنوان یک ضلع تثلیث دین مسیحیت، زنی است که به واسطه روح‌القدس بارور گشته و عیسی را بکرزایی کرده است. این اسطوره درباره تولد بسیاری از قدیسن و پیام‌آوران ساخته و پرداخته شده، اما به نظر می‌رسد در عصر اولیه مسیحیت رنگ و بوی فلسفی-عرفانی عمیق‌تری یافته‌است. مسیحیت به‌عنوان اصلاح‌گر دین یهود ظهور کرد، اما در طی چهار قرن اولیه با درهم‌آمیزی با اسطوره‌های رومی و بعد مناسبات کلیسای تشنه قدرت، را افراط پیمود.

«مسیحیت در زمینه نظرات و ارزش‌های مربوط به زنان و جنسیت تلاش بیشتری در گداختن و پرداختن زنجیرهای آهنین تعصب و تحجر از خود بروز داد. مسیحیت پیامبر خود عیسی مسیح را موجود مقدس آفرید، و با منع زنان و تجربه آمیزش جنسی، هاله‌ای از معصومیت بر او فرو پوشید. علاوه بر این، او را از زهدان مریم باکره که آغوش هیچ مردی را نشناخته بود، به عالم حیات روانه کرد ... در میان مذاهب گوناگون، مسیحیت سخت‌تر از همه به عنان‌گسیختگی جنسی برخورد نمود و باکرگی را نه تنها بر عیسی مسیح و مادرش مریم، که بر همه مردانی که به ردای کشیشی، رهبانیت، و بندگی خدا درآمدند نیز تحمیل کرد.» (همان).

تقدیس بکارت از سوی کلیسا تا آنجا پیش رفت که مریم مقدس را الهه زمین و آسمان شمرد و این اصطلاح را از اساطیر بسیار کهن کشاورزی وام گرفته بود. به این ترتیب فرقه‌هایی قائل به بکارت در مسیحیت ظاهر شدند و تا به امروز به بقای خود ادامه داده‌اند. از باکرگی مریم مقدس تعبیر چندگانه‌ای در فلسفه مسیحیت تعبیر شده، که از آن جمله می‌توان مفهوم آمادگی بی‌قید و شرط برای تسلیم در برابر اراده خداوند، باکرگی به مثابه بی‌عیبی، و مادر پاک برای همه ایمان‌داران اشاره کرد. اما در دین مسیح است که مفهوم باکرگی لزوماً به زنان مربوط نیست و توصیه‌ای دال بر عدم آمیزش با مردان نیز به آن ورود کرده‌است. در کتاب مقدس روایتی وجود دارد از رویای یوحنا قدیس:

«یوحنا ناگهان می‌بیند که بره بر کوه صهیون (جایی که یوحنا سه فرشته را می‌بیند که پیروان وحش را هشدار می‌دهند که ساعت دآوری نزدیک است) ایستاده است و ۱۴۴۰۰۰ نفر که نام او و نام پدر بر پیشانی‌شان نوشته بود با وی بودند کوه صهیون از قدیم‌الایام به‌عنوان مکانی که نجات‌یافتگان در روز آخر در آنجا دوباره جمع خواهند شد، شهرت دارد. بر سر بره اتفاق نظر وجود دارد، اما آن ۱۴۴۰۰۰ نفر چه کسانی هستند؟ یکی از ویژگی‌های این قوم که سرود جدید را آموختند این است که با زنان آلوده نشدند زیرا که خود «باکره» هستند.» (پانتاپالیل، ۱۹۹۶)

۱-۳-۳- اسلام

«از نظر مردان عرب، قدرت جنسی ارتباط مستقیم با مردانگی و موقعیت اجتماعی آنان داشت؛ تا آنجا که ناتوانی جنسی برای یک مرد ننگ شمرده می‌شد. ولی چه کسی جز یک زن می‌توانست بر ضعف جنسی یک مرد اطلاع یابد؟ ارزش

برتر ازدواج با دختر باکره، که در سنت عرب و اسلام آمده، از همین حقیقت ناشی می‌شود. یک دختر باکره، به دلیل عدم تجربه جنسی، از مردی و جنسیت چیزی نمی‌داند ولی یک زن غیرباکره به دلیل عکس، ممکن است قوت و ضعف جنسی مرد را دریابد؛ و از این جا است که ازدواج با زن مطلقه یا بیوه مکروه شمرده شده است. (السعداوی، ۱۳۵۹)

البته چنانچه از کتاب السعداوی پیداست، باتوجه به اینکه از همسران حضرت محمد ۹ تنها عایشه، باکره بود و یازده دیگر، زنان بیوه و مطلقه بودند؛ پیامبر به این سنت پای‌بند نبود. شاید به همین دلیل، در اسلام با وجود تأکید مکرر بر مقولاتی همچون حجب، حیا و خویش‌ننداری و نکوهش زنا و زناکاران، کمتر اشاره‌ای به جنبه عرفی و اجتماعی و سخت‌گیرانه نسبت به بکارت می‌بینیم؛ بیشترین دلالت‌های قرآنی به مفهوم بکارت نیز، در شرح و وصف زنان بهشتی است؛ از جمله این آیات:

سوره رحمان، آیه ۵۶:

در آن بهشت‌ها زنان زیبای باحیایی است و دست هیچ‌کس پیش از آنها بدان زنان نرسیده است.

سوره رحمان، آیه ۷۲:

حورانی در سراپرده‌های خود (مستور از چشم بیگانگان) ...

سوره رحمان، آیه ۷۴:

که پیش از شوهران دست هیچ‌کس به زنان نرسیده است.

سوره واقعه، آیه ۳۶:

همیشه آن زنان را باکره گردانیده‌ایم...

۱-۳-۳-۱- مریم باکره در قرآن

مریم عذرا در قرآن جایگاه ویژه‌ای دارد و یکی از سوره‌های قرآن به نام اوست. قرآن نیز مهر تأیید بر تولد معجزه‌آسای عیسی مسیح ۸ از مادری دوشیزه می‌زند:

سوره آل عمران، آیه ۴۲:

و هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و تو را بر زنان جهان برتری داده است.

سوره آل عمران، آیه ۴۵:

و هنگامی که فرشتگان مریم را گفتند به راستی خدا تو را به کلمه‌ای بشارت می‌دهد که نامش عیسی پسر مریم است و در دنیا و آخرت آبرومند و از نزدیکان درگاه خداوند است.

سوره مریم، آیه ۱۷:

ما روح خویش را به سوی مریم فرستادیم، و او مانند انسانی کامل، خوش‌سیما و خوش‌اندام بر مریم پدیدار گشت.

سوره مریم، آیه ۱۸:

گفت: جز این نیست که من فرستاده‌ی خدایت هستم تا به فرمان او تو را پسری پاکیزه ببخشم.

سوره مریم، آیه ۱۹:

مرا از کجا فرزند به هم رسد درحالی که دوشیزه‌ای شوی نادیده‌ام و دست انسانی به دامن پاکم نرسیده است و بدکاره نبوده‌ام؟

۱-۴- باکرگی در جوامع مختلف

چنانکه پیش از این گفته شد، موضوع باکرگی هرگز از مناسبات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جدا نبوده است و هر نوع رویکرد پژوهشی به آن، لاجرم با مسئله جنسیت در جامعه، سهم زنان و مردان در نظام معیشتی و اقتصادی و خاستگاه‌های فرهنگی جوامع

گونگون گره می‌خورد. افراد در فرایند جامعه‌پذیری جنسیتی، یاد می‌گیرند که بر اساس انتظارات جامعه، به‌عنوان زن یا مرد چگونه رفتار کنند. در واقع، جنسیت بخش مهمی از خودانگاره هر انسانی را تشکیل داده‌است و در کنش‌های متقابل اجتماعی، هویدا می‌شود. قدر مسلم آن‌که تاریخ بشر به واسطه ویژگی‌های فیزیولوژیک زنانه، مملو از تبعیض، خشونت و بهره‌برداری جنسیتی بوده‌است و باکرگی نیز از این نابرابری مستثنی نیست.

«باکرگی به فقدان رابطه جنسی قبل از ازدواج در زن و مرد اطلاق می‌گردد، ولی در برخی جوامع نه تنها باکرگی، تنها منسوب به خویش‌داری زن قبل از ازدواج است بلکه مردان در این جوامع تشویق می‌شوند و حتی از آنها انتظار می‌رود که رابطه جنسی قبل از ازدواج داشته‌باشند، در غیر این صورت، معمولاً مورد تمسخر و آزار هم‌نوعان خود قرار می‌گیرند.» (رباط جزئی و همکاران، ۱۳۹۶)

بدیهی است که با تحولات فکری جوامع، انتظار می‌رود که رویکرد بشر نسبت به مقوله جنسیت نیز متحول شود. اما با وجود تحولات شگرف قرن اخیر، هنوز مسائلی همچون قتل‌های ناموسی، شکنجه‌های جنسی، ختنه و ناقص‌سازی جنسی دختران و انواع تعرض و تجاوز نسبت به زنان، در سرتاسر جهان، قابل رویت است.

«در تاریخ نشانه‌های زیادی از نابرابری جنسیتی یافت می‌شود. اغلب، رفتار نابرابر با زنان و مردان، به دلیل تفاوت‌های زیست‌شناختی یا ژنتیکی، موجه شمرده شده است.» (سفیری و عباس، ۱۳۸۸).

از دهه ۱۹۶۰ میلادی و قوت یافتن جنبش‌های حمایت از حقوق زنان، قوانینی برای دفاع از حقوق زنان در کشورهای غربی، ایجاد شد و بسیاری از قوانین تبعیض‌آمیز جنسیتی در کشورهای غربی، اصلاح شد. و تا به امروز روند آزادی‌های جنسی برای زنان در این کشورها هم‌چنان ادامه داشته‌است. مجموعاً به دلیل وسعت جنبش‌های فمینیستی قرن بیستم، امروز جایگاه باکرگی در کشورهای غربی و شرقی، بسیار متفاوت به نظر می‌رسد و در یک دسته‌بندی کلی، موضوعیت بکارت در جوامع سنتی را پررنگ‌تر نشان می‌دهند.

۱-۴-۱- بکارت در اروپا و آمریکا

نگاهی کلی به تاریخ غرب، جایگاه چندان پرمنزلی از زنان، نشان نمی‌دهد. اگر به خاستگاه کهن فرهنگ غرب، به یونان و روم باستان بازگردیم، زنان در این جوامع شهروند درجه اول محسوب نمی‌شدند و اصولاً این دو سرزمین دایماً در جنگ و آشوب، به نیروی ذکور که جنگ‌آور و مدافع مرزها و کشورها بود، بسیار بیشتر از زنان بها می‌دادند؛ پس از استیلای مسیحیت بر غرب، تاریخ دوهزارساله تسلط اندیشه کلیسای مسیحی بر زنان و وضعیت آنان را شاهدیم. کلیسای مسیحی، اصولاً رابطه جنسی را عملی گناه‌آلود معرفی می‌کرد و این درمورد زنان و مردان یکسان بود. دستگاه مذهبی، رابطه را مختص تولید نسل می‌دانست. بدیهی است که چنین تصویری در سرتاسر قرون وسطی، منجر به جریان مخفیانه‌ای از روابط نامشروع در میان بزرگان و اشراف شد. محدودیت جنسی قبل از ازدواج، در غرب نیز تا پیش از قرن بیستم به شدت برقرار بود. در قرن نوزدهم، در کنار توسعه علوم به ویژه زیست‌شناسی، ظهور نظریاتی هم‌چون نظریه شخصیت زیگموند فروید از جمله عواملی بود که در تحول نگرش نسبت به سکس بسیار موثر افتاد. چراکه فروید منشا بسیاری از اختلالات و بحران‌های روانی را، سرکوب غریزه جنسی معرفی کرد. مضافاً اینکه، پوست‌اندازی جوامع اروپایی بعد از جنگ‌های جهانی، فروپاشی نظام‌های ارزشی و هنجاری پیشین، ورود زنان به عرصه اجتماع و توسعه جنبش‌های فمینیستی، همه در تحول اندیشه‌های سنتی درباره روابط جنسی و آزادی‌های زنان، اثربخش واقع شدند.

«مرحله‌ای از آزادسازی روابط جنسی، نسبتاً زودتر، در دهه ۱۹۲۰ آغاز گردیده بود؛ زمانی که بسیاری از جوانان، خود را از قوانین سخت اخلاقی که بر نسل‌های پیشین حاکم بود، آزاد احساس می‌کردند ... دوران آزادمنشانه‌تر دهه ۱۹۶۰ نگرش‌های آشکارا اعلام شده را با واقعیت‌های رفتار جنسی نزدیک‌تر کرد ... افزایشی تصاعدی در میزان تجربه جنسی پیش از ازدواج، به ویژه در میان زنان در ایالات متحده آمریکا و اکثر کشورهای اروپایی وجود داشته‌است. به نظر می‌رسد که بیشتر جوامع غربی، دیر یا زود به نقطه‌ای خواهند رسید که سوئد در اوایل دهه ۱۹۷۰ به آن رسیده، هنگامی که حدود ۹۵ درصد مردان و زنان در آن کشور، دارای تجربه آمیزش جنسی قبل از ازدواج بوده‌اند.» (گیدنز، ۱۳۸۴)

باوجود این روند، هنوز هم در اروپا و آمریکا، افرادی علاقمند و مقید به پاکدامنی پیش از ازدواج وجود دارند؛ از جمله برنامه‌هایی چون: «تعهد بکارت»، «حلقه نقره‌ای» و «آموزش خویشتن‌داری» که با حضور دختران و پسران و با همکاری دبیرستان و کلیسا با هدف ممانعت از بحران‌های اجتماعی و آسیب‌پذیری‌های جنسی، انجام می‌شود. در دهه ۱۹۸۰ در ایالات متحده، سستی به نام «رقص پاک» پا گرفت، که در آن دختران نوجوان به همراه والدینشان به کلیسا می‌روند و پیمان پاکدامنی را امضاء می‌کنند. «دختران ۱۲ ساله در حالی که ملبس به لباس عروسی می‌گردند با کشیشان به رقص و پایکوبی می‌پردازند. دختران در برابر خدا سوگند یاد می‌نمایند تا زمانی که به صورت رسمی ازدواج ننموده‌اند از روابط جنسی با پسران و هم‌چنین بوسیدن آنها بپرهیزند. در طی مراسم هم‌چنین از سوی پدران حلقه باکره بودن در انگشت دختران می‌شود تا آنها این را همیشه به یاد داشته باشند که از این تاریخ به بعد باید در حفظ عفت و پاکدامنی خود کوشا باشند. به غیر از ایالات متحده در هفده کشور دیگر نیز مراسم مشابهی به همین روش برگزار می‌گردد» (ریان، ۱۳۹۱).

بدیهی است که این آیین‌های گروهی و اقلیتی در اروپا و آمریکا را نمی‌توان نمونه اندیشه این جوامع به موضوع بکارت قلمداد کرد. چراکه در طی یک قرن گذشته و باتوجه به تحولات عظیم فکری-فلسفی غرب، تغییرات قوانین ازدواج و خانواده، هم‌خانگی بدون ازدواج، به رسمیت شناخته شدن همجنس‌خواهی و ... عمدتاً این جوامع، درگیری مهمی با مسئله بکارت ندارند و تحت تأثیر جنبش‌های فمینیستی، کاربرد واژه‌های باکره و دوشیزه در این کشورها تا حدودی تحقیرآمیز قلمداد می‌شود. چنانکه عنوان «دوشیزه» از فرم‌های اداری بسیاری از کشورهای غربی، حذف شده‌است.

۱-۴-۲- بکارت در جوامع عربی

جامعه عرب، هنوز بدون قید و شرط، بکارت دختر را بیش از هر فضیلتی، ارج می‌نهد. از دست رفتن بکارت دختر، خارج از ازدواج، فاجعه‌ای جبران‌ناپذیر و مستحق سخت‌ترین مجازات است. در قانون برخی از کشورهای عربی، دادگاه در صورت اثبات باکره نبودن دختر، رأی به فسخ ازدواج می‌دهد. باتوجه به زمینه‌های فرهنگی این دیدگاه، سنت‌های کهن و ریشه‌داری در راستای حفظ نجابت دختران وجود داشته که یکی از آنها ختنه دختران است.

«ختنه دختران رسمی نیست که از ابتدا به اسلام و یا سایر مذاهب توحیدی منحصر بوده باشد، بلکه رسم مزبور در جوامعی از ممالک شرق یا غرب، و اقوامی از مسلمانان، مسیحیان، یا ملحدین نیز وجود داشته و به آن عمل می‌شده است. ختنه به غیر از ممالکی چون مصر، سودان، سومالی، اتیوپی، کنیا، تانزانیا، غنا، گینه و نیجریه، در اروپا نیز تا قرن نوزدهم شناخته شده و تا حدودی معمول بود. بسیاری از ممالک آسیایی نظیر سری‌لانکا، اندونزی و همین‌طور بخش‌هایی از آمریکای لاتین نیز از این قاعده مستثنی نبودند. هرودوت وجود ختنه زنان را در هفتصد سال پیش از میلاد گزارش می‌دهد و سوابق این رسم در تاریخ تا عصر پادشاهی فراعنه در مصر باستان نیز موجود است. به این دلیل است که شیوه مرسوم ختنه در سودان را «بُرش فرعون» نام گذارده‌اند.» (السعداوی، ۱۳۵۹)

در برخی کشورهای عربی چون مصر، سودان، یمن و برخی از امارات خلیج، ختنه دختران خردسال هنوز مرسوم است. اعتقاد بر این است که با این عمل، میل جنسی دختران به حداقل می‌رسد و دختران در سن بلوغ، بکارت و عفت خود را حفظ خواهند کرد.

۱-۴-۳- بکارت در بازمانده‌های جوامع بدوی

در برخی از جوامع بدوی، بی‌اعتنایی چشمگیری نسبت به مسئله بکارت دیده می‌شود. از جمله در میان بومیان هاوایی، اصولاً بکارت معنی ندارد.

«جوامعی در تاریخ‌نگاری‌ها و حتی در حال حاضر در بعضی جاهای دورافتاده هستند که بکارت برایشان موضوع است؛ ولی به عکس تفسیر می‌شود. بر فرض نقل است از تاریخ‌نگاری عرب که اقوام صرب بر این نظر بودند که باکره‌گی دختر نشان‌دهنده این است که طالب کم داشته، پس کم‌ارزش‌تر از دختری است که باکره نیست. یا در تبت زنی که بچه داشته باشد به دلیل اینکه ثابت کرده بارور است برای ازدواج گزینه ارزشمندتری است تا زن باکره.» (کورنون، ۱۳۶۵).

میان قبایل بدوی کشورهای آفریقای مرکزی، سیستم پادشاهی برقرار است و زن دارای آنچنان قرب و منزلتی نیست؛ در برخی قبایل، زنان رنج‌های فراوان می‌کشند و در انحصار مردان هستند و به خاطر اینکه آنها را نربایند از کوچکی لب‌های دختران را شکاف داده، مهره‌هایی در آن قرار می‌دهند و به مرور زمان آن مهره‌ها را که از چوب یا عاج است بزرگتر می‌کنند در نتیجه حفره لب‌ها بزرگتر می‌شود که به دو شکل نعلبکی درمی‌آید و تحمل آن بسیار دردناک است و قیافه آنها را زشت می‌کند و کسی آنها را نمی‌رباید. در قبیله ساراس^۳، زنان، باید تا می‌توانند فرزند بیاورند و تعداد کارگران را بیشتر کنند. در صورت تولد نوزاد دختر، می‌توانند او را با یک یا چند گاو، مبادله کنند؛ در عین حال، باکرگی دختران، برایشان مفهومی ندارد.

«دختری که باکره نباشد ارزش بیشتری دارد، زیرا عملاً ثابت شده است که عقیم نیست. در قبایل بدوی کشورهای جنوبی آفریقا مخصوصاً آفریقای جنوبی، ازدواج منشاء محکمی ندارد و روابط غیرمجاز جنسی کیفی‌های سختی ندارد.» (محمدی، ۱۳۸۲)

در میان قبیله «هوتون توت‌ها» رابطه جنسی قبل از ازدواج ممنوع است و در مقابل، بوشمن‌ها آزادی کامل در روابط دارند. ظاهراً هر قدر این جوامع بدوی به مراکز تمدن و جمعیت نزدیک‌تر است، به محدودیت‌های جنسی بیشتری تقید دارند.

در کشور اتیوپی، در میان شیناشاها، بکارت، حائز اهمیت است؛ اگر دختر در زمان ازدواج باکره نباشد، ازدواج به هم می‌خورد و حیثیت اجتماعی دختر، لکه‌دار می‌شود.

در هندوها رسم چنین بوده که یک مرد روحانی، در ازای دریافت پول، بکارت نوعروس را از بین می‌برده، چراکه بکارت، شیطانی شناخته شده و داماد حاضر به همبستری با دختر باکره نیست.

مارکوپولو در سفرنامه‌اش در مورد مردم تبت می‌نویسد: «هیچ یک از آنان نمی‌خواستند دختری را که باکره باشد به همسری برگزینند.» (دوبووار، ۱۳۸۰).

البکری مورخ عرب هنگامی که از اسلاوها سخن می‌راند نقل می‌کند: «اگر مردی ازدواج کند و متوجه شود که زنش باکره است به او می‌گوید: «اگر ارزشی داشتی، مردان دوستت می‌داشتند و یکی از آنها بود که بکارت‌ات را بردارد و سپس او را می‌راند و رها می‌کرد.» (همان).

۱-۴-۴- بکارت در جامعه ایران

پس از افول تمدن‌های کشاورزی و پیدایش اشکال پیشرفته شهرنشینی، اعتبار و مقام اساطیری زنان به مثابه رب‌النوع کشت و باروری، تا حد زیادی از بین رفت و نظام‌های مردسالار جوامع گوناگون را با کیفیتی کم و بیش مشابه، پوشش دادند. با جایگزینی اعتبار زور بازوی مردانه با قوای باروری زنانه و تحول نظام‌های اسطوره‌ای از مادینه‌محوری به نرینه‌سالاری، زنان احتمالاً به‌عنوان مایملک مردان، بیشتر با مشاغل و صنایع خانگی مرتبط بودند و حتی اگر بار معیشت را هم برعهده داشتند، حقوق برابر با مردان نداشته‌اند. از این رو موضوع بکارت، در بسیاری از جوامع به ملاکی برای حق تملک اول و آخر یک زن برای یک مرد، تبدیل شد و ایران نیز از این روند، مستثنی نبوده‌است.

به اعتقاد ویلم فلور، در همه نقاط ایران، بکارت، مفهوم یکسان نداشته؛ از جمله او از فرقه‌ای در بندرعباس نام می‌برد که در حدود صدسال پیش به وجود آمده و در میان آنان رسم بر این بوده که دختران این فرقه، در شب زفاف، توسط پیشوای فرقه تبرک می‌شدند و بکارتشان را به او تسلیم می‌کردند.

فلور همچنین می‌نویسد:

«در دهه ۱۳۲۰ بیش‌ترین مردم میناب از بلوچ‌ها بودند که اصلاً به مسأله بکارت اهمیتی نمی‌دادند. واقعیت این که والدین پس از تولد نوزاد دختر خود را با انگشت پرده بکارتش را پاره می‌کردند. در سن سه چهارسالگی دختر، که ختنه‌اش می‌کردند، بار دیگر انگشت در وی می‌سپوختند تا مطمئن شوند پرده بکارت ترمیم نشده باشد و اگر شده باشد هم دوباره پاره شود؛ این کار تا زمان ازدواجش هر ساله تکرار می‌کردند.» (فلور، ۲۰۱۰).

همچنین، موضوع ختنه کردن دختران، در برخی مناطق خوزستان و کردستان و جزایر جنوبی ایران، در سال‌های اخیر مورد تفحص و مطالعه کنشگران مدنی قرار گرفته‌است.

در دیدگاه فقهی، بکارت از فضایل دختر در هنگام ازدواج است و باکرگی دختر، دلیل مهریه بالاتر نسبت به زن مطلقه یا بیوه است. مجموعاً در اندیشه عرفی و سنتی جامعه ایران، همچون سایر جوامع سنتی، بکارت هم‌چنان مبنای پاکیزگی و نجابت دختر و جزء ملاک‌های ازدواج به‌شمار می‌رود و همین موضوع، گاه دلیل صدمات جدی به وجاهت اجتماعی دختر و خانواده او بوده است. ازجمله رسومی که پس از گمانه باکره نبودن دختر در برخی نقاط کشور ما انجام می‌شده، بریدن گیس‌های او و وارونه بر الاغ سوار کردن و گرداندن در روستا یا محله بوده است. اگرچه امروز، بسیاری از تعصبات عرفی و اخلاقی در خصوص بکارت، در بسیاری از نقاط ایران، به‌ویژه در مناطق شهری، کمرنگ شده، اما کلیت اصل باکرگی برای ازدواج دختران در ایران، به قوت خود باقی است. آداب مرسوم در ازدواج، همچون «آزمایش بکارت» و «دستمال زفاف» که هنوز در بعضی خانواده‌های شهری و روستایی ایرانی، موضوعیت دارد و به‌عنوان سندی از حرمت و آبروی خانواده دختر، نزد آنها نگهداری می‌شود، دلیل بر اهمیت سنتی موضوع بکارت در جامعه ایران است. حال آنکه در بسیاری مواقع، بکارت در اثر حرکات ورزشی یا حوادث، از بین می‌رود. باید توجه داشت، در چنین مواردی نیز، نگاه سنتی و صرفاً جسمانی به موضوع بکارت، فهم انسانی جوامع را از مفاهیمی همچون اخلاق، تعهد و پاکدامنی، مخدوش می‌سازد و به‌ویژه در جوامعی که هنوز با تعصبات شدید در این عرصه درگیرند، ضرورت بازشناخت و بازنگری فرهنگی احساس می‌شود.

البته از نظر نباید دور داشت که جامعه امروز ایران، به واسطه تحصیلات دانشگاهی دختران و ورود آنان به عرصه‌های مشاغل و تولید، بسیاری از مناسبات سنتی را تغییر داده‌است. از طرفی بسیاری از کنشگران عرصه زنان، در پی زدودن تفکرات خرافی و سنتی درباره بکارت، توجه به انواع دیگر رابطه که منجر به از بین رفتن پرده بکارت نمی‌شوند اما سلامت جنسی جامعه را تهدید می‌کنند و یا محدود شدن اهمیت بکارت به زنان و تاثیرات روانشناختی این دیدگاه هستند.

۲- بحث و نتیجه‌گیری

مفهوم بکارت را نمی‌توان در یک خط سیر تاریخی ممتد و منظم، جستجو کرد. از طرفی نیز، به دلیل گسست‌های استدلالی و استنادی بی‌شمار، نمی‌توان به جغرافیای خاصی محصور و محدودش کرد؛ مهم‌ترین علت شاید این باشد که موضوع «باکرگی» اصولاً واحد مفهومی مستقلی در حوزه تاریخ و جغرافیا نیست. به عبارت دیگر، هر تعریفی از بکارت، فوراً با مولفه‌های بی‌شماری از سایر گفتمان‌های شناختی (ازجمله زیست‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و ...) گره می‌خورد. موضوع بکارت در اولین قدم، تابعی است از جایگاه زنان در جوامع؛ شناسایی سازوکار جامعه در اعتباربخشی به مفاهیم جنسیتی، از جمله مواردی است که سیالیت مرزهای این تحقیق را دامن می‌زند.

بکارت، گاهی انگاره‌های متناقض و متضادی را ایجاب کرده که می‌توان مطمئن بود، این انگاره‌های متضاد با اصل ارگانیک این پدیده ارتباطی ندارند و ساخته و پرداخته زیرساخت‌های فرهنگی جوامع‌اند. قدر مسلم اینکه، در تاریخ بشریت، چقدرتا ممکن است با جامعه‌ای برخورد کنیم که نسبت به بکارت و دوشیزگی، بی‌اعتنا بوده و یا آن را نادیده گرفته باشد. در این میان -صرف نظر از برخی استثنائات و بخش محدودی از تاریخ کشورهای غربی- مهم‌ترین الگوی ذهنی که در بیشتر جوامع طول تاریخ، وجود و امتداد داشته، فضیلت پنداشتن باکرگی دختران، و گرایش عمومی مردان به ازدواج با دختر باکره است. بکارت در اکثر جوامع سنتی، مفهومی عرفی و نهادینه شده دارد. به طوری که از بین رفتن بکارت یک دختر، تلویحاً یک آیین گذار تلقی می‌شود که الزاماً بایستی در چارچوب ازدواج رخ دهد. حتی در جوامع غربی نیز، عمر جنبش‌های آزادی‌خواهی جنسی برای زنان، و تغییر نگرش‌های سنتی، هنوز به یک قرن نمی‌رسد.

ریشه‌های مفهوم «فضیلت باکرگی» را می‌توان در بسیاری از اسطوره‌ها جستجو کرد. از جمله مفهوم بکرزایی اسطوره‌ای، که تلویحاً عظمت آفرینش را به بی‌نیازی از درهم‌آمیزی نسبت می‌دهد؛ و یا قدیسین و پیامبرانی که از دختران باکره متولد می‌شوند، اگرچه نمادهایی از بنیاد فلسفی عمیقی هستند اما احتمالاً، در شکل‌گیری مفاهیم عامی و عرفی باکرگی در فرهنگ‌های ملل گوناگون بی‌اثر نبوده‌اند. از طرفی، ادیان الهی با تأکید بر حفظ ارزش‌های اخلاقی و جنسی و منع روابط متعدد و غیرشرعی، به نوعی لزوم بکارت پیش از ازدواج را تأیید کرده‌اند؛ هرچند که جوامع دینی، با استناد به وجود عضو فیزیکی بکارت، این سخت‌گیری را بیشتر در قبال دختران، اعمال و پیگیری کرده‌اند.

۳- تقدیر و تشکر

با تقدیر و تشکر از جناب آقای محمدمامین حبیب‌آگهی و سایر همکارانی که مسیر این پژوهش را هموار نمودند.

۴- منابع

- ۱- الیاده، م. (۱۳۸۲). *اسطوره، رویا راز*. ترجمه منجم، ر. تهران، نشر علمی
- ۲- آندره، میشل (۱۳۷۲)، *جنبش اجتماعی زنان، هما زنجانی‌زاده، مشهد، نشر ونیکا*
- ۳- بولن، ش. (۱۳۹۴). *نمادهای اسطوره‌ای و روانشناسی زنان*. ترجمه یوسفی، آ. تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- ۴- پانتاپالیل، م. (۱۹۹۶). *حضرت مریم شمالی کلیسای به کمال رسیده در نوشته‌های یوحنا*. کوتایام کرا، هند، نشر الکترونیکی.
- ۵- دوبووار، س. (۱۳۷۹). *جنس دوم، ترجمه صنعوی، ق. تهران، توس*.
- ۶- رباط جزئی، م.، سیمبر، م.، ناهیدی، ف.، قره داغی، ج.، ودادهیر، ا.، امام هادی، م.، و جعفری، آ. (۱۳۹۶). *بررسی مفهوم باکرگی و آسیب‌شناسی آن*. مجله پزشکی قانونی ایران، ۲۳(۱)، ۲۵-۳۶.
- ۷- رضی، ه. (۱۳۴۲). *تاریخ ادیان*. جلد دوم، انتشارات کاوه.
- ۸- السعداوی، ن. (۱۳۵۹). *چهره عریان زن عرب*. ترجمه فروتن، م. و مرادی، ر. تهران، کانون نشر اندیشه‌های نوین.
- ۹- سفیری، خ. و عباس، ا. (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی جنسی*. تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
- ۱۰- فلور، و. (۲۰۱۰). *تاریخ اجتماعی روابط سکسی در ایران*، استکهلم، انتشارات فردوسی.
- ۱۱- قرآن کریم (۱۳۷۷). تهران، انتشارات هاد
- ۱۲- کریستوفر، ر. و جفا، س. (۱۳۹۱). *سرشت جنسی انسان (فراز و نشیب روابط جنسی از ماقبل تاریخ تا امروز)*. ترجمه مهدیان، م. جلد اول، نشر الکترونیکی.
- ۱۳- کورنون، م. (۱۳۶۵). *تاریخ معاصر آفریقا از جنگ جهانی تا امروز*. ترجمه صدیقانی، ا. تهران، امیرکبیر.
- ۱۴- گیدنز، آ. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی*. ترجمه صبوری، م. تهران، نشر نی.
- ۱۵- محمدی، م. (۱۳۸۲). *بررسی وضعیت زنان، قبل و بعد از ازدواج در قبایل بدوی آفریقا*، سایت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، بازیابی شده در ششم

آذر ۱۳۹۶. <http://icro.ir/index.aspx?pageid=32738&p=202&showitem=3565>

A survey of the roots and cultural aspects of virginity

Marzieh Zadsham¹ Marzieh Borzoeyan^{2*}

1. Graduated in Dramatic Literature; Shiraz Islamic Azad University. Shiraz. Iran.
marziye.zadsham@gmail.com

2. Ph.D. in Art Research; Faculty member of Shiraz Islamic Azad University; Department of Dramatic Literature. (Corresponding Author).
borzoeyan@iaushiraz.ac.ir

Abstract

Virginity can be studied in various ways. Although virginity is a biological feature, it has been represented in different manifestations throughout history. Virginity is part of a woman's genitals. However, the conceptual meaning of virginity is not limited to women's physiology. It also has penetrated the cultural and gender relations of societies, and in many cases, has determined the customary, moral, and legal criteria and standards. This study seeks to answer the question: What are the sources and roots of virginity and its meaning in human societies? To this end, virginity was reviewed in a sample of myths, religions, some primitive and modern communities. The results suggest that the concepts of virginity in different societies are related to the mythological, historical, economic, and cultural contexts and characteristics. These components generally confirmed virginity as a virtue throughout the history of most societies.

Keywords: virginity, Hymen, women in society



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)